

عدالت؛ گمشدهی آخرالزمان

مقدمه

یکی از مهمترین شاخصه‌هایی که تشیع (شیعه‌ی اثنی‌عشری) را از دیگر فرق دنیا جدا می‌کند این است که تشیع می‌تواند با دلایل عقلی، عدالت خدا را اثبات کند. فرق دیگر عدالت خدا را قبول دارند؛ اما با توجه به اعتقادات خود قادر به اثبات آن نیستند. عدالت خدا در وجه کامل خود در عصر ظهور صاحب‌الزمان متجلی می‌شود. اصلاً یکی از شاخصه‌های اصلی ظهور، پُر شدن جهان از عدل و داد است. چنانچه در روایت متواتر «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» بر آن تأکید شده است. شیعه و سنی در چند اصل دین یعنی، توحید و نبوت و معاد مشترکند؛ اما شیعه امامت را در ادامه‌ی نبوت می‌داند و خواستار عدالت خداوند است و برای اجرای عدالت به دنبال امام‌زمان است. در آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی آل عمران «بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلِ مِنَ النَّاسِ» منظور از «حبل من الله» رسالت و مراد از «حبل من الناس» امامت است و باید بین این دو، گره و پیوندی بسته شود؛ یعنی تنها هنگامی که رسول اکرم به اذن خدا امام را معرفی کند و این گره (عقد) بسته شود، عدالت برقرار می‌شود.

رابطه‌ی عدالت و زیبایی دنیا

عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش، البته اعتقاد به این مفهوم می‌شود عدالت و اجرای آن مفهومی دیگر یعنی نظم است. ما چون به حقیقت اعتقاد داریم، خواستار عدالتیم. اجرای عدالت باعث نظم می‌شود و نظم زیبایی می‌آورد (حق، عدل، نظم و زیبایی باید همراه هم باشند در این صورت دنیا زیبا می‌شود).

شاخصه‌ی جاهلیت مدرن پیش از ظهور این است که دنیا زشت می‌شود؛

چون بی‌نظم است و عدالت در آن کم است و همه به این دلیل است که مردم حق را گم کرده‌اند. عدالت، گمشده‌ی مردم در آخرالزمان است. شیعه باید تشیع را با عدالت معرفی کند. باید

شیرینی عدالت را به مردم بچشانیم. دنبال جمع کردن سفره‌ی دیگر تفکرات نباشید؛ شما سفره‌ی رنگین خود را پهن کنید (الگوهای شیعه را معرفی کنید) تا مردم به سوی شما (تشیع) بیایند. انسان فطرتاً خواستار زیبایی است. امروز نگاه بعضی از افراد به زیبایی تغییر کرده است تا جایی که با عمل جراحی و هزینه‌های زیاد بر چهره‌ی خود عیوبی مانند لک ایجاد می‌کنند. این به دلیل نداشتن نظم و اجرا نشدن عدالت و گم شدن حق است. پیامبر فرمودند: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»؛

پس وظیفه‌ی ما، مردم را به حق خواندن و به عدالت دعوت کردن

و سپس اجرای عدالت است.

ما باید کشوری بر مبنای عدالت شیعه بسازیم تا مردم دنیا تفاوت ما و دیگر فرقه‌ها را بفهمند و خواستار عدالت شوند.

ظلم؛ نقطه‌ی مقابل عدل

ظلم از نظر لغوی به معنی وضع شیء به غیر از موضع خودش و نقطه‌ی مقابل عدل است. تفاوت عدل و قسط در چیست؟ عدالت یعنی حق هر کسی سر جای خودش باشد و به او داده شود؛ نقطه‌ی مقابل آن یعنی اینکه به فردی ظلم و ستم شود و حقش از او دریغ شود. قسط یعنی حق کسی را به دیگری ندهند؛ یعنی تبعیض روا نکنند. بنی‌اسرائیل درصدد گرفتن فلسطین و ساخت مجدد معبد سلیمان است؛ چون شیرینی عدالت را در زمان حضرت داوود و حضرت سلیمان چشیده و دیده بود. هرچند بنی‌اسرائیل کتاب‌های خود را تحریف کرد و با پادشاه خواندن این دو پیامبر، جدایی دین و سیاست را پایه‌گذاری کردند؛ اما عدالت زمانی اجرا می‌شود که دیانت هم باشد چون دیانت حق است و مبنای تعریف عدالت، شناخت ریشه‌ی حقیقت است. افزون بر این چیزی جز خدا و آنچه خدا معرفی می‌کند، حق نیست. بنی‌اسماعیل نیز عدالت رسول خدا و امیرالمؤمنین را برای مدتی دیده‌اند؛ اما پس از آن دیگر طعم عدالت را نچشیدند و نخواهند چشید؛ مگر در زمانی که امام‌زمان یعنی عصاره‌ی انبیاء و اوصیاء ظهور کند. بر مبنای حدیث «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» قبل از ظهور هیچ چیزی سر جای خود نیست و زشتی‌ها و جاهلیت دنیا را فرا می‌گیرد. در نگاهی دیگر، عدالت عین عقل است و هر جا که عدالت نباشد جهل آنجا را پر می‌کند و عدل را نمی‌شود بدون علم اجرا کرد. معنی دیگر ظلم، تاریکی است که مقابل نور است. ابن‌فارس می‌گوید: «ظلم مقابل نور و چیزی را از ستم در غیر موضع خود نهادن است.»

معنی ظلم در قرآن

واژه‌ی ظلم ۳۱۵ بار در قرآن تکرار شده و ۲۹۰ بار آن در مورد پیکار با ستم و ستم‌کاری است. این تکرار نشان از اهمیت بالای موضوع است. ظلم در آیه‌ی ۸۲ سوره‌ی انعام به معنی شرک استفاده شده است. در آیه‌ی اول سوره‌ی طلاق، ظلم یعنی کسی که از حدود الهی خارج شود. در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی اسراء ظلم معنای کشتار ناحق دارد. ظلم در آیه‌ی ۵۷ سوره‌ی بقره به معنی زیان زدن و در آیات ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ سوره‌ی زخرف به معنی بی‌انصافی و در آیه‌ی ۹ سوره‌ی اعراف به معنی انکار آیات قرآن است. دزدی و مال مردم را برداشتن و خروج از عقل و علم از دیگر معانی ظلم در قرآن است.

عقوبت ظلم

در اخبار متواتر از ائمه هر جا سخن از ظلم به میان آمده است، ذم عظیم و تهدید از آن وجود دارد. رسول اکرم فرمودند: «پست‌ترین و ذلیل‌ترین خلق در نزد خدا کسی است که امر مسلمانان در دست او باشد و میان آنان به راستی رفتار نکند و ظلم کند.» (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۲)

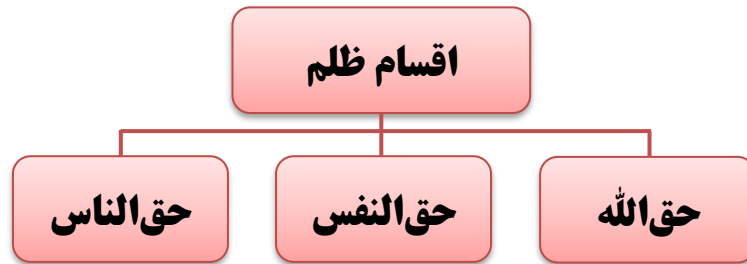
امام علی فرمودند: «به سبب ظلم، نعمت‌ها ضایع می‌گردد و به نکبت مبدل می‌شود.» (غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۳۱)

عوامل اصلی نبودن و گرفتن نعمت‌ها، ظلم است و بزرگترین نعمت، امامت است؛ پس نبودن امام ظلم است. مردم یا خودشان عقلاً متوجه این فقدان می‌شوند یا خدا به واسطه‌ی سختی‌ها و مشکلات و بلاها به آنها می‌فهماند. به همین علت در آخرالزمان، نظم دنیا بهم می‌خورد؛ چون عدل نیست و مردم حق را نمی‌شناسند و دچار دنیاپرستی و هوا و هوس شده‌اند. امام سجاد در وصیت خود به امام باقر فرمودند: «زنهار ای فرزندم که بر کسی که دادرسی به غیر از خدا نداشته باشد، ظلم کنی که او کس دیگری ندارد و دست به درگاه مالک‌الملوک برمی‌دارد و منتقم حقیقی را بر سر انتقام می‌آورد.» (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۰۸)

زمانی که مردم مضطر شوند، منتقم آل‌الله، امام‌زمان می‌آید همانگونه که وقتی بنی‌اسرائیل مضطر شدند، ۴۰ شب ندبه کردند و ظهور منجی را از خدا خواستند. امام صادق در حدیثی فرمودند: «خدا به خاطر گریه و زاری بنی‌اسرائیل ۱۷۰ سال از ۴۰۰ سال را به آنان بخشید» امام در ادامه فرمودند: «اگر شیعیان ما نیز ندبه می‌کردند، خدا گره از کارشان باز می‌کرد.» (التفسیر، عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۴)

بشر ادعا کرد که می‌تواند بدون چنگ زدن به ریسمان الهی و کمک و حضور اهل بیت، دنیا را مدیریت کند و عدالت را به وجود بیاورد. امروز نتیجه‌ی نخواستن امام‌زمان این است که بشر از اجرای عدالت در دنیا عاجز مانده است. در بعضی از کشورها مردم در همه‌ی امور اسراف و زیاده‌روی می‌کنند و مردم بعضی از کشورها دچار سوء تغذیه، فقر، تنگدستی و جنگ هستند؛ البته بشر روزی به عجز خود اعتراف و منجی را طلب می‌کند.

اقسام ظلم پیش از ظهور



✓ حق الله

ظلم به خدا که بدترین نوع ظلم است؛

✓ حق النفس

ظلم به نفس که شامل ارتکاب گناهان است؛

✓ حق الناس

ظلم به دیگران که حتی شهید نیز در مورد آن مؤاخذه خواهد شد.

مهمترین ظلم، کنار زدن حق و امام حق است.

قرآن نیز در اغلب مواقع «ظالمین» را در جایی که صحبت از کنار زدن حق و امامت است به کار برده است. در آیه‌ی ۱۲۴ سوره‌ی بقره هنگامی که حضرت ابراهیم از آزمون قربانی فرزند، سربلند بیرون آمد و به مقام امامت رسید از خدا سؤال کرد: «آیا این عهد (امامت) به فرزندان من نیز می‌رسد؟» خدا در پاسخ فرمود: «عهد من (امامت) به ستمکاران و ظالمان نمی‌رسد»؛ یعنی تنها کسی که هیچ‌گونه ظلمی انجام ندهد، معصوم و عادل [و لایق مقام امامت] است. قبل از ظهور، نبود عدل در دنیا احساس می‌شود. امامت همان عهد الهی است که نبودن آن ظلم است. در آخرالزمان ظلم دنیا را می‌گیرد و سپس امام که عین عدل است ظهور می‌کند؛ همانگونه که رسول اکرم زمانی مبعوث شدند که ظلمت دنیا را گرفته بود و دوران جاهلیت حاکم بود. بعد از پیامبر نیز همانگونه که خود حضرت به حذیفه فرمودند، دوباره جاهلیت مردم را فرا گرفت؛ جاهلیتی که تنها با ظهور امام‌زمان به پایان می‌رسد.

آثار ظلم

تنگدستی مردم و سلب آرامش از آنها، ویرانی و زوال حکومت، ایجاد تفرقه، لعن پروردگار و عقوبت الهی و... تنها بخشی از آثار رواج ظلم در جامعه است. ظلم، خروج از صراط مستقیم است. طبق گفته‌ی اهل بیت، صراط مستقیم امامان هستند. بعد از رسول اکرم بعضی از مردم راه را گم کردند و دچار شک و تردید شدند و نتوانستند عدالت حضرت علی را تاب بیاورند. زمانی که حضرت مهدی بیایند، بیشتر مردم مستضعف [فکری] هستند و دین و ایمان بر آنها عرضه نشده است. امام این گروه را با محاجه و مناظره کردن بیدار و آگاه می‌کنند و تنها با کسانی که در مقابل حق گردنکشی می‌کنند، می‌جنگد.

رابطه‌ی نظم و تقوا

حضرت علی به امام حسن وصیت می‌کنند: «**اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم**» آدم بی‌نظم، با تقوا نیست؛ زیرا مفهوم عدالت در فرد بی‌نظم مشکل دارد؛ پس فرد بی‌نظم عادل نیست و تقوا ندارد هر چند نماز بخواند. نمودار و تحقق عدالت وابسته به عقاید (تقوا) و قوانین (نظم) است. حضرت علی می‌فرمایند: «جامعه‌ای موفق است که هر دو ارزش را در حد اعلا داشته باشد.» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

تقوا یعنی بازدارندگی و گناه نکردن به همین دلیل جرائم در کشور ما که گاهی قوانینش مشکل دارند و گاهی قانون ضمانت اجرایی ندارد، نسبت به برخی کشورها پایینتر است. در کشورهای غربی قوانین قویتر است؛ اما چون اعتقادات آنها پایینتر است هیچ‌وقت قوانین به صورت فرهنگ در نمی‌آید؛ بنابراین باید هر دو عامل در جامعه اجرا شود. امیرالمؤمنین این کار را انجام دادند؛ اما مردم با ایشان همراه نبودند و حکومت افول کرد. اگر امام حاضر باشد اما مأموم حاضر و توجیه نباشد، کار پیش نمی‌رود. مردم ۱۱ امام را کشتند؛ چون درکی از امامت نداشتند. فلذا خداوند در مورد آخرین امام اینگونه اراده کرده است که تا مأموم حاضر و همراه نباشد، امام نمی‌آید.

وظیفه‌ی جمهوری اسلامی ایران در اجرای عدالت

جمهوری اسلامی ایران باید عدالت و شیرینی عدالت را به همه‌ی دنیا بچشاند تا مردم دنیا بدانند ما همان حسینی‌ها و علوی‌ها هستیم که به دنبال مهدی هستیم. باید خودمان را با امام حسین به دنیا بشناسانیم همانگونه که امام‌زمان هنگام ظهور، خودش را با نام جدش امام حسین معرفی

می‌کند. در یک جامعه، مردم همیشه به دنبال قویترین هستند و اگر قوانین بشکنند، مردم به دنبال چیزی قویتر از قانون مانند پول، پارتی، انتصاب و... می‌روند؛ پس از یک طرف باید تقوا و خودکنترلی در جامعه رشد کند و از طرف دیگر باید قوانین درست شوند و ضمانت اجرایی داشته باشد. قانون زمانی صحیح است که عین عدل باشد. قانونی عین عدل است که بر مبنای حق باشد و امری حق است که از سمت خدا آمده باشد.

برخورد با متخلفین در قرآن

طبق آیه‌ی ۷۶ تا ۷۹ سوره‌ی قصص، قارون فردی از قوم حضرت موسی بود که در اثر امنیت انقلاب حضرت موسی و از قبل رانت اطلاعاتی عذاب‌های فرعونیان، ثروت زیادی کسب کرده بود. این ثروت که قارون آن را نتیجه‌ی زیرکی خود می‌دانست، موجب شد از یاد خدا و سرای آخرت غافل شود و ثروتش را در راه خدا خرج نکند. او با ثروت و زینت خود در میان مردم رفت و آمد می‌کرد و در مردم نیاز به وجود می‌آورد. بعضی از مردم که زمینه‌ی لغزش داشتند، آرزو می‌کردند جای او باشند. خداوند نیز در برخورد با او، قارون و ثروتش را در زمین فرو برد تا به مردم بفهماند مال و ثروت جاودان نیست و حُب طلا را در نظر مردم بشکند؛ پس نحوه‌ی برخورد با متخلفان باید قوی و قاطعانه باشد. حضرت موسی نیز در برخورد با سامری، گوساله‌ی طلایی ساخت، آن را آتش زد، براده کرد و در دریا ریخت. چرا حضرت آن را از بین برد و به نفع بیت‌المال مصادره نکرد؟ حضرت بهترین برخورد را انجام داد و حُب طلا را شکست؛ زیرا مردم آن زمان طلا را مهمتر از هر چیزی می‌دانستند. این یک اصل است؛ هنگامی که مردم جامعه‌ای ببینند عدالت در مورد افراد به دلیل پول و نسبت خود و جایگاهی که دارند، اجرا نمی‌شود به سمت این افراد می‌روند و این افراد معاف از اجرای عدالت در نظر مردم مهم می‌شوند؛ بنابراین برای برخورد قاطع با مفسد باید آنچه به نادرست در جامعه مبنا شده است را از بین برد. مبنا شدن جرمه در جامعه یک خطر و اشتباه است؛ زیرا ثروتمندان به راحتی تخلف می‌کنند؛ سپس جرمه‌ی آن را می‌پردازند و ثروت به جواز سرپیچی از قوانین تبدیل می‌شود. اصل بحث در قرآن و در اجرای عدالت، انگیزه‌گشی برای اجرای جرم است. ما باید قسط (تبعیض نگذاشتن) را در اجرای عدالت رعایت کنیم؛ یعنی افراد مهم جامعه باید در عدالت ضریب داشته باشند و در صورت خطا و انجام جرم، برخورد سنگینتری با آنها شود؛ یعنی کسانی که در جامعه معروف، محبوب، الگو و اثرگذار هستند باید بیشتر مراقب رفتار خود باشند. قرآن در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی احزاب خطاب به زنان پیامبر می‌فرماید: «ای همسران پیامبر هر کدام از شما گناه آشکار و

فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود.» این حکم، ظلم نیست؛ زیرا کلام خداست و کلام خدا همان حق است پس قوانین در مورد این افراد باید سخت‌گیرانه‌تر باشد. در جامعه‌ی اسلامی منتسب بودن به یک مدیر و مسئول باید موجب درد و سخت‌گیری بیشتر شود، نه لذت و مزایای بیشتر. مثال آن، هنگامی است که حضرت موسی از میقات برگشت و گوساله‌پرستی قومش را دید. حضرت ابتدا الواح تورات را انداخت؛ سپس به سراغ هارون رفت و موی سر و ریش او را کشید در حالی که می‌دانست او کاری نکرده است؛ چرا؟ زیرا می‌خواست حجت را برای بقیه تمام کند و دیگران حساب کار دستشان بیاید؛ پس باید به این دو اصل مهم توجه شود:

۱. انتخاب درست قوانین؛

۲. ضمانت اجرایی داشتن قوانین.

بازرسی؛ ضامن اجرای قوانین

بازرسی ضامن اجرایی شدن قوانین است. انواع بازرسی موارد زیر را شامل می‌شود:

- خودبازرسی (تقوا)؛
- بازرسی از کارگزاران: بازرسی از کارگزاران در سیره‌ی اهل بیت به خصوص امیرالمؤمنین بسیار بر آن تأکید شده است.

امیرالمؤمنین در نامه‌ی ۲۰۰ نهج‌البلاغه در خصوص کارگزاران به مالک اشتر چنین توصیه می‌کنند: «در کار کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشان بگمار، نه به سبب دوستی با آنها و بی‌مشورتِ دیگران به کارشان مگمار؛ زیرا به رأی خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است. کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربه و حیا هستند و از خاندان‌های صالح. آنها که در اسلام سابقه‌ی دیرین دارند؛ اینان به اخلاق شایسته‌ترند و آبرویشان محفوظتر و از طمع‌کاری بیشتر روی گردانند و در عواقب کارها بیشتر می‌نگرند. در ارزاقشان بیفزای؛ زیرا فراوانی ارزاق، آنان را بر اصلاح خود نیرو دهد و از دست‌اندازی به مالی که در تصرف دارند، بازمی‌دارد و نیز برای آنان حجت است اگر فرمانت را مخالفت کنند یا در امانت تو خللی پدید آورند؛ پس در کارهایشان تفقد کن و کاوش نما و جاسوسانی از مردم راستگو و وفادار به خود بر آنان بگمار...» پس حضرت بر این اصول تأکید داشتند:

۱. آزمایش و آموزش کارگزاران پیش از استخدام؛

۲. اثرگذار نبودن دوستی و خویشاوندی در انتخاب مسئولین؛

۳. مشورت در انتخاب مسئولان و مشورت دادن به آنها؛

۴. انتخاب کارگزاران از افراد با تجربه و باحیا و از خانواده‌های سالم و آبرومند و دارای سابقه و پیشینه‌ی ایمانی؛

۵. پرداخت حقوق کافی به کارگزاران برای جلوگیری از دزدی و خیانت آنها؛

۶. تعیین و گماردن جاسوسان راستگو و وفادار برای بررسی اعمال کارگزاران.

امیرالمؤمنین در دوره‌ی کوتاه حکومت خود به شدت با مفسد اقتصادی، تخلف، خیانت و کوتاهی کارگزاران برخورد کردند. نامه‌ها و احکام بسیاری از برخورد سخت و قاطع امیرالمؤمنین با کارگزاران خاطی و خائن ایشان در تاریخ ثبت شده که هر کدام به نحوی قابل توجه، دارای نکات فراوان و قابل‌الگوپذیری برای جمهوری اسلامی است. از جمله هنگامی که به حضرت خبر رسید که یکی از مسئولان از بیت‌المال سوء استفاده مالی کرده است، اینگونه برای او نوشتند: «از تو به من خبر رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده است که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه می‌توانستی برداشته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای؛ پس هرچه زودتر حساب اموالت را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است.» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰)

در احادیث بسیار به برخورد سخت و قاطع امام‌زمان با کارگزاران خود اشاره شده است. امام‌زمان، امام‌مهربانی است؛ اما در اجرای عدالت قاطعانه عمل خواهد کرد؛ پس این امر و برخورد قاطع و حساسیت در اجرای عدالت باید الگوی منتظران حضرت در عصر غیبت باشد.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: عدالت؛ گمشده‌ی آخرالزمان

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، اسفند ۹۲ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)